



اندیشه عمیقتر، قسمت ۱

قلب پاک و کامل ، آیا این امکان وجود دارد؟

مزامیر ۱۰۱: ۱، ۲

متی ۵: ۴۸

کولسیان ۴: ۱۲

۱

۲

۳

درسهایی درباره اینکه ما در مسیح هستیم به ما آموخته اند که ما در مسیح ، مقدس و صالح شده ایم. به عبارت دیگر ، شما نمی توانید مقدس تر یا صالح تر از آنچه در حال حاضر هستید باشید. فداکاری عیسی یک قربانی کامل بود. این فداکاری برای ابدیت کافی بود. و با این حال ما دستور کامل بودن را می خوانیم. چطور ممکن است؟

آیا می توانیم پاک و کامل باشیم؟

عبرانیان ۷: ۱۸ ، ۱۹

عبرانیان ۹: ۹ ، ۱۰

۱

۲

این دو متن به ما می گوید که قانون و انجام فداکاری برای سازش از گناهان ما را پاک و کامل نمی کند. پیروی از قانون خدا در واقع برای ما انسانها قابل دستیابی نیست. به همین دلیل است که کشیشان در معبد مجبور بودند هر بار برای پاکسازی و تصفیه ، قربانی بدهند.

پس راه حل اینکه بتوانید پاک و کامل شوید چیست؟

عبرانیان ۷: ۲۸

عبرانیان ۱۰: ۱۴

کولسیان ۱: ۲۸

۱

۲

۳

عیسی کاری کرد که هیچ کس دیگری تاکنون انجام نداده است. او کاملاً مطابق قانون خدا زندگی می کرد. اما نه تنها او در رابطه با خدا زندگی می کرد ، بلکه آنچه پدر به او میگفت و از او میپرسید انجام میداد. عیسی حتی تا آنجا پیش رفت که برای فائق آمدن بر گناه ، شیطان و مرگ ، فداکاری کامل را انجام داد. آن فداکاری دیگر هرگز نباید انجام شود. عیسی بدون گناه بود و فداکاری کامل داد. او این کار را برای همه انجام داد.

حالا این برای ما چه معنایی دارد؟

کولسیان ۲: ۸ ، ۹ ، ۱۰

عبرانیان ۱۰: ۱۴

۱

۲





عیسی در کامل شدن از ما جلوتر رفت. او اکنون در ما زندگی می کند و همچنین کمال او. ما این را خودمان به دست نه آوردیم، بلکه این دست آورد او در ما است. در او تمام علم و دانش است. با زندگی در او، علم و دانش در ما رشد می کند. فرهنگ عیسی درون ما شکل می گیرد.

مثال

دنیایی که من در آن زندگی کردم بسیار کوچک بود. من هلند را می شناختم و گاهی با موتر به کشور دیگری می رفتم و فرهنگ دیگری را می دیدم. اما بیشتر آنها شبیه هلند بودند. خدا با زندگی من برنامه دیگری داشت، یعنی سفر به قاره های دیگر و فرهنگهای بسیار متفاوت. از طریق کتاب ها و چند فیلم اطلاعات جمع آوری کرده بودم. تنها راهی که می توانستم به آنجا برسم این بود که جرات کنم و پا به هواپیما بگذارم. من مجبور شدم کاری انجام دهم که برای من بسیار دشوار بود، یعنی قرار دادن زندگی خودم در دست خلبان و کارمندهای تخریبی. مردم کشف کرده بودند که شما می توانید پرواز کنید. مردم با تعداد زیادی از عقل قادر به پرواز چنین یک ماشین به آسمان بودند. و سپس با خیال راحت به زمین نشست میکردند. چه دانش و علمی که بتوان چنین چیزی به عنوان هواپیما را توسعه داد. اما در مورد فداکاری هایی که برخی از پیشگامان انجام داده بودند، چطور؟ در اولین تلاشهای پرواز مردم کشته شدند. همسرم بسیار شجاع تر از من بود. اما سرانجام تصمیم گرفتم بروم. انتخابم من را به آفریقا رساند. چه شوک فرهنگی، چه دنیای متفاوت. هواپیما، بدون اینکه من درک فنی داشته باشم یا بتوانم چنین هواپیمایی را پرواز کنم، من را به مقصد رساند. ثروتی برای من به ارمغان آورد که قبلاً هرگز تجربه نکرده بودم. ثروت فرهنگ ها و گروه های مردمی دیگر که ما در غرب نمی دانیم.

در مورد عیسی دقیقاً همینطور است. بودن در او به معنای یادگیری اعتماد به اوست. اجازه دادن به او تا جلو را بیگیرد. فداکاری کامل او به این معنی است که ما در نظر خداوند کامل هستیم. از این طریق ما می توانیم وارد پادشاهی خدا شویم. یک جهان که ما می توانیم فقط با اعتماد به عیسی و فداکاری او وارد آن شویم.



در متی ۵: ۸، ۴۸ عیسی بذر/دانه مهمی برای فرهنگ پادشاهی خدا می کارد. او به شاگردانش می گوید که باید مانند پدر آسمانی آنها پاک و کامل باشند. در این وضعیت فرهنگ پادشاهی خدا ثمر میدهد.

سوال بزرگ این است: آیا می توانید کامل باشید؟ در واقع منظور از این چیست؟

کولسیان ۱: ۲۸، ۳: ۱۴
و ۴: ۱۲

۱

۲

در اینجا می بینیم که پولس در مورد دستیابی به کامل بودن صحبت می کند. در اینجا ما با یکی از بسیاری از مواجه ظاهر تناقض در پادشاهی خدا رو به رو میشویم. ما در مسیح کامل شده ایم و با این حال به کامل بودن ترغیب می شویم.

در زندگی داود می بینیم که او به دلیل وضعیت قلبش انتخاب شده است. ما از مطالعه می آموزیم که داود کاملاً پاک و کامل نبود. و با این حال بارها و بارها می خوانیم که خداوند داود را انتخاب کرد. ما از زندگی داود می آموزیم که خدا سه ویژگی خاص را دوست دارد. اینها ارزشهایی زندگی است که به ما کمک می کند تا با کامل بودن زندگی کنیم.

سه ویژگی قلب پاک

الف) شفافیت

کلام در باره قلب داود چی میگوید؟

مزمیر ۱۳۹: ۲۳، ۲۴
اول تواریخ ۲۸: ۹

۱

۲

پولس در باره نقش روح القدس چی میگوید؟

اول تواریخ ۲: ۱۰

۱

در این سه متن چیزی از شخصیت خدا را می بینیم. خدا ما را کاملاً میشناسد. او به ویژه قلب ما را از آنجا می بیند که از آنجا عمیق ترین آرزوها و افکار ما نشأت می گیرند. ما در زندگی داود می بینیم که با وجود کمبودهایش، او روح را دعوت می کند تا در اعماق قلبش جستجو کند و ببیند راهی در او نباشد که از طرف خدا نباشد. او این را می پرسد زیرا می خواهد اراده خدا را انجام دهد.

«قلب من را جستجوی کن روح القدس» دعایی است که متناسب با پادشاهی دارد. صادق بودن با خودتان، صادق بودن با خدا و مردم در اطراف شما، ناشی از جرات است بنا برین اجازه می دهید قلب شما جستجو شود. داود به گناهان خود اعتراف کرد؛ هنگامی که پیامبر با او صحبت کرد فوراً به او پاسخ داد.

اول یوحنا ۱: ۵ - ۹





قلب کامل به معنای این نیست که شما به عنوان یک مسیحی ۱۰۰٪ فارغ از گناه زندگی کنید. این بدان معناست که وقتی گناه کردید ، مستقیماً آن را به معرض دید می گذارید. این انتخاب قلب است.

در طول آموزش شاگردی، در آخر هفته با خدا روبرو میشویم. در آخر این هفته همیشه لحظه ای وجود دارد که به مردم فرصت داده می شود تا با درد و غم و اندوه و همچنین گناهان خود به صلیب بیایند. هر بار من تعجب می کنم که زنان و مردان با صراحت چگونه به گناهان خود اعتراف می کنند. حتی گاهی اوقات گناه از ۱۰ یا ۲۰ سال پیش است. اما به محض روشن شدن این موارد می بینید که لطف خدا بر این افراد می افتد. با بخشش و لطف به قلب آنها معجزه ای روی می دهد. غالباً آنها گریه می کنند ، گاهی می خندند ، اما می بینید که این بارهای نامرئی و در عین حال سنگین از طریق صداقت و شفافیت با خدا و مردم از آنها برداشته میشوند. قبلاً گناهکاران ، اکنون بخشیده شده اند.

ب) اعتماد

داود در شرایط دشوار چه کاری انجام می دهد؟

۱	مزمیر ۲۵: ۲
۲	دوم سموئیل ۵: ۱۷ - ۱۹ ،
۳	۲۲ - ۲۳
۴	یوحنا ۱: ۱۴
	غلاتیان ۳: ۶

عیسی بارها و بارها به شاگردان نشان می دهد که او ، دقیقاً مانند داود ، به خدا پدر اعتماد قاطعی دارد. عیسی تصمیم می گیرد در هر شرایطی ، هرچند دشوار ، به خدا اعتماد کند. به عنوان مثال، زمانی عیسی می بیند که یک مرد بیمار پیش رویش افتاده، او با اعتماد کامل صحبت می کند که خدای پدر این قدرت را دارد تا این مرد را شفا بدهد.

در پایان زندگی اش او به شاگردان میگوید که زمان مرگ او رسیده. عیسی می داند چه چیزی در انتظار او در اورشلیم است. او فرار نمی کند اما با رنج رو به رو میشود. او در هر شرایطی مدام به خدا اعتماد میکند.

شاگردان با مثال عیسی چه می کنند؟

۱	اعمال رسولان ۴: ۱۳ - ۳۱
---	-------------------------

عیسی فرهنگ اعتماد به خدا را زیست. او ادامه می دهد تا زمانی مرگ او. شما دقیقاً همان اعتماد به خداوند را در شاگردان می بینید.

سالها پیش سفر به روسیه و عمدتاً جایی به نام قزاقستان را شروع کردم. در آنجا با جوانی به نام بایکال آشنا شدم. او بلافاصله با جسارت خود مرا به یاد اولین شاگردان انداخت. آن روزها پولیس در دستگیری مسیحیان بسیار فعال بود. با این حال بایکال و تیم جوانانش با پر از اعتماد به نفس به خیابانها آمدند تا انجیل را بشناسند. در مناسبت های مختلف او به ایستگاه پولیس خواسته میشد اما در عین حال او فقط آنچه که روح خدا نشان میداد انجام میداد.

ج) شکسته شدن

برای خداوند چی مهمتر از قربانی است؟

۱	مزمیر ۵۱: ۱۷
---	--------------



داود گناه کرده بود؛ زنا و قتل. پس از تولد کودکی که در اثر زنا به دنیا آمد، داود این مزامیر را می نویسد. او پر از پشیمانی است. او متوجه میشود که با انجام این گناه خدا را دیق کرده. داود در مورد این گناه گریه می کند اما آن را رها نمی کند. قلب شکسته آسیب های ناشی را نه تنها شناسای میکند بلکه خدای امید، درمان و شفا را می بیند. این شکسته شدن کامل قدرت و توانایی شخص در بازگرداندن چیزها است. این قلب اعتماد به لطف خدا دارد و مسئولیت شکستهای خود را میگیرد.

چند سال پیش با مردی آشنا شدم که در زنا زندگی کرده بود. روح خدا او را گرفت و او را به بخشش و شفا سوق داد. هنگامی که او برای اولین بار آنچه اتفاق افتاده بود را به اشتراک گذاشت، من یک مرد شکسته را پیش روی خودم دیدم. به نظر می رسید دنیای او از هم پاشیده شده. اما سپس وقتی در مورد بخشش و لطف صحبت کردیم امید را در چشم او دیدم.

دیدم که این مرد شک دارد که آیا باید با همسرش کاملاً صادق باشد؟ اما روح خدا مرتباً او را ترغیب می کرد که همه چیز را اعتراف کند. این روندی بود که هفته ها به طول انجامید. این مرد اعتماد جوان به خدا داشت. او نمی خواست همسرش او را ترک کند. اگر او میخواست داستان خود را تعریف کند قطعاً او را ترک میکرد. او یک بار این حرف را به او زده بود. و با این حال او به خدا و انگیزه ای که دریافت کرده بود اعتماد کرد. حالا، سالها بعد، آنها هنوز با هم هستند و یکدیگر را بسیار دوست دارند.

مشق:

با خواندن این درس، از روح القدس بپرسید چه میخواهد به شما بگوید. آیا افکار خاصی وجود دارد که به ذهن شما خطور میکنند؟



وقت بگذارید و هرگونه افکاری را که درباره خالص و کامل بودن به ذهن شما خطور می کند، یادداشت کنید. کامل بودن چیزی نیست که بتوانید به آن برسید، اما اعتماد به واقعیتی که در مسیح کامل شده ای راه کامل شدن است. زندگی با خدا و با او در شما، به شما کمک می کند تا در کمال زندگی کنید. از روح القدس بخواهید در این زمینه کمک تان کند.



قسمت اول این درس را با مربی خود در میان بگذارید. سوالات مربوط به چهار داستان را مرور کنید. با هم نگاهی بیندازید که از متی ۴۸: ۵ یادداشت کرده اید و تصمیمی که در این مورد گرفته اید انجام دهید.



زمانی خواندن در مورد زندگی داود، درباره قلب او مطالعه کنید. آیا لحظاتی وجود دارد که روح القدس به شما چیزی در مورد قلب خودتان آموخته باشد؟ این را با مربی خود در میان بگذارید.



أصول ۳۶

عیسی در کامل شدن از ما جلوتر رفت. او و کمال او اکنون در ما زندگی میکند. ما این را خودمان بدست نه آوردیم، بلکه به دست آورد بودن او در ماست. یک قلب کامل میتواند اعتماد کند، برای خدا شفاف و شکسته است.

